

ایستادگی نویسندگان آمریکایی برای مردم غزه

مراسم انجمن قلم آمریکا به دلیل انتقادهای بسیار نویسندگان در واکنش به حمله اسرائیل به مردم غزه لغو شد. از زمان شروع جنگ در غزه، نویسندگان وابسته به انجمن قلم آمریکا (PEN) بارها این سازمان را برای حمایت از اسرائیل و کم اهمیت جلوه دادن جنایاتی که علیه نویسندگان و روزنامه‌نگاران فلسطینی انجام داده است، محکوم کرده‌اند. اکنون انجمن قلم آمریکا که با ناراضیانی گسترده‌ای از

گفت‌وگو «جام جم» با سیده عدرا موسوی، نویسنده کتاب «فصل توت‌های سفید»

نق نق نویسی

داستان اجتماعی نیست

«فصل توت‌های سفید» رمانی است که وقایع آن در دهه ۵۰ و در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی می‌گذرد. در این رمان با زندگی پرفراز و نشیب زنی به نام فروغ همراه می‌شویم که با وجود دست و پنجه نرم کردن با فقر و سختی‌های شدید زندگی، شرافت و شخصیت انسانی خود را حفظ می‌کند. این رمان توانسته است با روایتی جذاب و توجه به جزئیات، مخاطب را به خوبی با حال و هوای سال‌های پیش از انقلاب آشنا کند. فصل توت‌های سفید از انتشارات شهرستان ادب به‌عنوان رمان برگزیده سومین دوره جایزه کتاب سال شهید اندرزگو و یکی از آثار مرحله پایانی جایزه ادبی جلال آل احمد و از کتاب‌های موفق سال گذشته بود. سیده عدرا موسوی، نویسنده کتاب در این گفت‌وگو درباره کتابش و چند و چون نگارش آن صحبت کرده است.



آرش شفاعی
گروه فرهنگ و هنر

■ با توجه به این‌که در پایان کتاب تاریخ‌هایی درباره

نگارش و بازنگارش کتاب ذکر کرده‌اید، لطفاً از فرایند رسیدن به این داستان و نهایی شدن کتاب بگویید.

راستش زمانی که تاریخ‌ها را ثبت می‌کردم، هرگز فکر نمی‌کردم این قدر درباره آنها در معرض پرسش قرار بگیرم. حقیقت این است که هفتم از ذکر آنها ماندن در تاریخ (اگر ماندنی اتفاق بیفتد) بود و این‌که مخاطب را متوجه کنم که نوشتن «فصل توت‌های سفید»، چه زمانی دغدغه من بوده و حاصل چه زمانی از زندگی من است. مسأله این است که نسخه اولیه این اثر از تابستان تا زمستان ۱۳۹۳ نگارش یافت، ولی پیش آمدن برنامه‌هایی در زندگی شخصی و اشتغال به نگارش آثار دیگر، باعث شد تا فصل توت‌های سفید کمی از مرکز توجهم دور شود. در سال‌های ۹۶ تا ۹۴ مشغول تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد بودم و تا زمان انتشار این اثر، دو رمان نوجوان از من منتشر شد. پس از فراغت از تحصیل، فرصتی فراهم شد تا دوباره به فصل توت‌های سفید رجوع و آن را بازنویسی کنم، ولی روند کند انتشار، موجب شد تا کتاب در بهمن ۱۴۰۱ منتشر شود.

■ داستان سوزه ملتهبی دارد. نوشتن درباره موضوعی مثل «شهر نو» که نوعی تابویست و حتی نویسندگان روشنفکر کمتر جسارت نوشتن از آن را دارند، شجاعت می‌خواهد. چرا به دنبال این سوزه پردردسر رفتید؟

می‌توانم فرمایش شما را به خود بگیرم و بگویم که برای نوشتن این داستان، شجاعت و شهامت به خرج داده‌ام، ولی اگر بخواهم صادقانه برخورد کنم، می‌گویم شجاعتی در کار نبوده و من فقط به تعهد حرفه‌ای خود عمل کرده‌ام. شهر نو برای من بستری برای روایتگری و قصه‌گویی بود. قرار بر رفتن به شهر نو باقی ماندن در آن نبود، من قصد نداشتم به‌واسطه ایجاد جاذبه‌های کاذب، مخاطب خود را سرگرم و به‌عبارتی دست‌به‌سر کنم. قصد نداشتم یک داستان زرد و تاریخ‌مصرف‌دار بنویسم. همچنین باید بپذیریم که شهر نو بخشی از ساختار اجتماعی ما در جغرافیای پیش از بهمن ۵۷ بود که در فرایند انقلاب دستخوش تحول شد و نسبت به آن واکنش نشان داد. نادیده گرفتن و بی‌توجهی به

واکنش‌ها علیه خودروبه‌رو شده، مراسم اهدای جوایز سالانه خود الغوگرد، ده‌ها نامزد از این رویداد که قرار بود هفته آینده برگزار شود، انصراف داده بودند.

کاترینا وانندن هوول، وندی وانندن هوول و بیل کلگ به نمایندگی از بنیاد و دارایی ادبی جین استاین بیانیه زیر را ارائه کردند: جین استاین مدافع پرشور حقوق فلسطین بود و از نویسندگان فلسطینی حمایت و تجلیل کرد. در حالی که او

جایزه PEN آمریکا را به نام خود برای جلب توجه و حمایت معنادار از نویسندگان دارای بالاترین دستاورد ادبی تأسیس کرد، می‌دانیم که او به موضوع و فداکاری نویسندگانی که امسال از رقابت کنار کشیده‌اند، احترام می‌گذاشت. برای احترام به تصمیم آنها، املاک جین استاین از انجمن قلم آمریکا خواسته است تا این جایزه ۷۵ هزار دلاری را به صندوق امداد کودکان فلسطین اهدا کند./ مهر



بای شعرهای‌شان بمانند و نسبت به شعرهای خود وظیفه‌مند شوند. هر شعار اخلاقی، یک تعهد است نسبت به جهان. بزدل‌ها و معتادان جرأت نمی‌کنند هیچ تعهدی را نسبت به جهان بپذیرند و به همین علت هم شعاردندگان را مورد بی حرمتی قرار می‌دهند.» ادبیات در ماندگار کردن ارزش‌ها و اندیشه‌ها سهم بزرگی بر دوش دارد و در این میان داستان و رمان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. شاید برای این‌که داستان برشی از زندگی است و مخاطب می‌تواند آنچه را که بر شخصیت اصلی و قهرمان داستان رفته است، در خیال تجربه کند، بنابراین امکان بسیار مناسبی است تا فرد (نویسنده) بتواند آرمان، اندیشه و نوع نگاهش به هستی را با او به اشتراک بگذارد.

■ برخلاف بسیاری از کتاب‌هایی که درباره دوران قبل از انقلاب نوشته شده، داستان شما سیاسی نیست و به روابط میان گروه‌های سیاسی، مبارزات و خط‌کشی‌های مبارزان قبل از انقلاب نپرداخته است. چه شد که ترجیح دادید وارد این فضا نشوید؟

مسأله من در اینجا انتخاب میان ورود یا وارد نشدن به سیاست و خط‌کشی‌های سیاسی نبود. فروغ هیچ نسبتی با سیاست ندارد. او یک مبارز با آرمان‌های بلند انقلابی، سیاسی، دینی و اجتماعی نیست. او یک قربانی است. با این حال فردی منفعل و واداده نیست تا دست روزگار او را به هر طرف که می‌خواهد بکشد. امیر نیز نماینده مردم انقلابی در معنای عام خودش است. او متعلق به هیچ دسته و گروهی نیست. بنابراین داستان درگیر خط‌کشی‌های سیاسی نمی‌شود.

■ داستان شما تصویری عریان، تلخ و درعین حال باورپذیر از فقر در برابر چشم مخاطب می‌آورد؛ درصورتی‌که شاید در ذهن برخی مخاطبان که دوران قبل از انقلاب را ندیده‌اند، آن زمان دوران رفاه اقتصادی تصویر شده است. آیا از نشان دادن این فقر و آسیب‌هایش تعدمی داشته‌اید؟

تاریخ، زمین بازی مستبدان و قدرت‌های استعمارگر است. منفعت ایشان در قطع رابطه ملت‌ها با تاریخ و «انهدام هویت تاریخی»‌شان است. آنها نخست حافظه تاریخی ملت‌ها را پاک می‌کنند و سپس آنچه را که مایلند و می‌پسندند، می‌نویسند. درواقع تاریخ را جعل می‌کنند و با بزرگ کردن چهره ظالمان و جانی‌کاران، صورت دیگری از آنها تصویر می‌کنند. دلیل تصور عده‌ای درباره رفاه اقتصادی در دوران پهلوی دقیقاً همین است. البته نمی‌توان نادیده گرفت که بخشی از تصور اشتباه مردم به تصویر فانتزی و کاریکاتوری‌ای برمی‌گردد که در فیلم‌ها و سریال‌ها از گذشته ارائه شده است. معتقدم که اطلاع نالغاگان از تاریخ، درک آنها را از گذشته و حال و دیدشان را درباره آینده

برش

مهم‌ترین تأثیر جایزه‌های ادبی

برگزیده شدن در جوایز ادبی، بخش عمده‌ای از تأثیر خود را در پرداخت منتقدان به اثر و انتشار یادداشت و معرفی کتاب، ساخت رسانه‌های تصویری و نیز انجام مصاحبه‌های گوناگون نشان داد. همچنین در میان گروه‌هایی جمع‌خوانی و بررسی شد. برخی از مخاطبان از طریق فضای مجازی و گاهی روردرو احساس خود درباره کتاب را به اشتراک می‌گذارند که اتفاق خوشایندی است. بیشتر منتظر دیده شدن کتاب در نمایشگاه کتاب امسال هستم. هر جایزه زمانی که بتواند با انتخاب‌های درست، اعتماد مخاطبان را به خود جلب کند، می‌تواند جریان‌ساز باشد. وقتی مخاطبان –چه نویسندگان و چه خوانندگان– ببینند اثری که برگزیده شده واجد امتیازات قابل‌توجه و قابل‌دفاع است، ترغیب می‌شوند از آن حمایت کرده و تأثیر بپذیرند. اگر جایزه‌ای بتواند به‌خوبی به معرفی و حمایت از آثار ارزشمند و برگزیده بپردازد، نویسندگان تشویق به خلق آثار هم‌راستا با اهداف جشنواره می‌شوند. به مرور این اتفاق باعث ارتقای سطح کیفی آثار و از طرف دیگر رضایت مخاطبان می‌شود. به‌نظرم مؤثرترین کار در این زمینه، تقویت پشتوانه علمی و ادبی جشنواره‌ها و جایزه‌های ادبی و انتخاب آثار خوب در یک بستر استاندارد است.

اصلاح می‌کند. گراف نیست اگر ادعا کنم که برای هر گزاره‌ای که در فصل توت‌های سفید مطرح کرده‌ام، «بودک» تاریخی دارم، من در برابر آنچه که مربوط به تاریخ است، عمیقاً صادق بوده و برای کشف حقیقت ساعت‌ها مطالعه کرده‌ام. حقیقت این است که فقر و بیچارگی مردم در سال‌های جنگ جهانی دوم و پس از آن به‌هیچ‌وجه انکارپذیر نیست. من برای ساخت عقیبه فروغ و حال مادر و ماجان، ناگزیر از پرداخت به آن برهه تاریخی بودم و بخشی از این تاریخ، فقر و فلاکت فراگیر ملت ایران بود، وگرنه قصد انتقام‌کشی از کسی یا تلخ‌کردن کام مخاطب را نداشتم.

■ داستان از نظر من با وجود این‌که تاریخی است و از عشق و مبارزه سخن می‌گوید، درون‌مایه‌ای به نام انتخاب دارد. جایی که فروغ از خانه دوستش فرار می‌کند، به نظر من نقطه اوج داستان است. خودتان با این برداشت چقدر موافقت‌؟ به‌نظر خودتان درون‌مایه اصلی داستان چیست؟

به‌نظرم برداشت درستی داشته‌اید. نقطه عمل فروغ برای خارج شدن از انفعال همین جاست. فروغ باید یک جا آن انرژی ذخیره شده در وجودش را بیرون می‌ریخت و خود را نجات می‌داد وگرنه می‌توانست مانند آنیا و زری و تمام زن‌های شهر نو که خود را دست‌بسته و ناچار می‌دانستند، در آن چاه بمانند و یکی از آنها شود. بهانه‌اش را هم داشت ولی انتخاب فروغ، آزادی بود.

■ نظر شما درباره مخاطبان داستان امروز چیست؟ از دیده شدن و خوانده شدن داستان‌تان چقدر راضی هستید و فکر می‌کنید برای افزایش مخاطبان چه باید کرد؟

باید بپذیریم که در ایران، خرید کتاب و به‌دنبال آن مطالعه، جزو اولویت‌های اول مردم نیست. کتاب در سبد خرید خانوارها جایگاه کوچکی دارد و این موضوع برای نویسندگان که گاهی سال‌ها از عمر خود را صرف نوشتن کتاب کرده‌اند، راضی‌کننده نیست. نکته دیگر این است که نویسنده یک وظیفه دارد و وابستگی به صنعت چاپ و سپس فروش و بازار کتاب، یک وظیفه. قرار نیست نویسنده هم نوشتن داشته باشد، هم چاپ و هم دغدغه فروش ولی می‌بینیم که برخی نویسندگان ناچارند بار تبلیغ کتاب را خودشان به دوش بکشند و آن را به جامعه معرفی کنند. این چرخه معیوب است. متولیان امر باید به وظیفه خود واقف شده و از طریق رسانه‌های مختلف به تبلیغ و معرفی کتاب بپردازند تا کتاب خوب جایگاه خود را بین مخاطبان بیابد.



قاب



کتابی جدید در مولوی شناسی

کتاب «مولوی چنان که هست» نوشته محمد بقایی ماکان در روزهای اخیر به بازار کتاب عرضه شد که بنا به گفته مؤلف پیش‌گفتار این اثر «حتی برای خوانندگان آشنا به افکار مولوی تا زگی خواهد داشت.» همان‌طور که از عنوان کتاب برمی‌آید، مقصود از این تالیف شناخت دقیق‌تر مولانا از منظری تازه است. به برخی فصل‌های این کتاب ازجمله مولوی و معنای زندگی، مولوی و ارزش‌های انسانی، انسان آرمانی مولوی، مقصود از این هستی و آفریننده از نگاه مولوی، دین از نگاه مولوی، جهان هستی و آفریننده از نگاه مولوی، دین از نگاه مولوی، دنیای دیگر از منظر مولوی و مولوی و اندیشه‌ورزان اشاره کرد.

رویداد

اختتامیه جشنواره «طنزپهلو» در زادگاه «گل آقا»

عباس حسین نژاد، دبیر هشتمین جشنواره طنز پهلوا بیان این‌که امسال ۱۱۲۹ اثر به جشنواره رسید، گفت: ۲۴۴ اثر برای داستان کوتاه طنز، ۲۲۶ اثر برای کارتون و کاریکاتور، ۲۵۲ اثر برای شعر طنز، ۱۰۱ اثر برای طنز چند رسانه‌ای و ۳۰۱ اثر برای طنز مطبوعاتی به دست‌مان رسید.

همچنین پنج استان بیشتر از بقیه مشارکت داشتند که بر این اساس، تهران با ۲۸۹ اثر در رتبه اول است. وی همچنین از تلاش برای برگزاری دو نشست آموزشی با همکاری حوزه هنری و دفتر طنز خبر داد. جشنواره طنز و رسانه (طنز پهلوا) که هشتمین دوره را می‌گذراند، هفته آینده برترین‌های خود را خواهد شناخت؛ رویدادی که عنوان شده با افزایش دوبرابری آثار در این دوره همراه بوده است. تا سال ۱۴۰۱ جشنواره طنز و رسانه طی شش دوره به صورت استانی در شهر قومن در استان گیلان برگزار شده بود و امسال برای دومین بار است که در سطح ملی برگزار می‌شود. قرار است اختتامیه دوره هشتم روز ۱۱ اردیبهشت در شهر قومن برگزار شود. در این جشنواره به ۱۵ نفر از برگزیدگان در پنج بخش داستان کوتاه طنز، شعر طنز، نشر طنز، طنز چندرسانه‌ای، کاریکاتور و کارتون جوایزی ارزنده اهدا خواهد شد./ ایسنا



دومین سالگرد درگذشت اسلامی ندوشن

آیین یادبود دومین سالگرد درگذشت محمدعلی اسلامی ندوشن ساعت ۱۷ و ۳۰ دقیقه امروز در سالن فردوسی خانه اندیشمندان علوم انسانی برگزار می‌شود. در این مراسم هادی خانیکی، محمد دهقانی، محمد جواد حق شناس سخنرانی می‌کنند.

محمدعلی اسلامی ندوشن (۳ شهریور ۱۳۳۲-۵ اردیبهشت ۱۴۰۱) شاعر، منتقد، نویسنده، مترجم، حقوق‌دان و پژوهشگر ایرانی بود.

او دانش آموخته حقوق بین‌الملل از فرانسه بود و پس از بازگشت به ایران، در آغاز قاضی دادگستری شد اما پس از چندی به دعوت فضل‌ا... رضا به دانشگاه تهران رفت. ندوشن از ۱۳۴۸ تا دو سال پس از انقلاب ۱۳۵۷ در دانشکده‌های حقوق و ادبیات دانشگاه تهران، حقوق و ادبیات تطبیقی درس می‌داد. وی فصل‌نامه هستی را پایه‌گذاری و همزمان در شماری از مجلات ادبی ایران ازجمله نگین، سخن و یغما مقاله می‌نوشت. ندوشن از نویسندگان روزنامه اطلاعات و روزنامه اطلاعات بین‌المللی بود که همزمان در لندن و لس‌آنجلس منتشر می‌شد.